



رفتار سیاست خارجی ایالاتمتحده آمریکا از ابتدای پیدایش تاکنون همواره و بصورت تدریجی به تکروری و یک‌جانبه‌گرایی فزاینده تمایل داشته است. این رویکرد با فروپاشی شوروی تقویت شده و به‌طور روزافزون و علنی پیش تاخته است و تا جایی پیش می‌رود که بهمقتضای منافع خود حتی تمام سازوکارها و ساختارهای بین‌المللی را که خود ایجاد کرده نیز شکسته و نادیده انگاشته است. برخلاف «پراک اوپاما» که تمایلی عجیب به چندجانبه‌گرایی و همسو کردن دیگر کشورها و متحدان آمریکا در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی و احترام به ساختار نظام بین‌الملل داشت اما «دونالد ترامپ» با احمای رویکرد تاریخی ایالاتمتحده و با دست‌ور کاری متفاوت و ناهمگون به کاخ سفید پا گذاشته و الگوی کنش و اقدام آمریکا در نظام بین‌الملل را باز تعریف کرده است. ترامپ با رد سیاست‌های اوپاما تلاش دارد یک‌جانبه‌گرایی را جایگزین چندجانبه‌گرایی اوپاما کند و طرحی جدید را در چارچوب مکانیسم‌های راهبردی ایالاتمتحده دراندازد و این‌ن تغییر نگاه و سیاست و مدل کنشگر دیوانه کیسینجر بر اصلی‌ترین وجه تمایز با راهبرد اعلامی از سوی اوپاما دلالت دارد.

■ **مبانی یک‌جانبه‌گرایی ایالاتمتحده**

راهبرد جدید امنیت ملی آمریکا که بر محور رویکرد یک‌جانبه‌گرایی نوین ترامپ طراحی شده است دارای ۴ رکن اصلی است که شامل حفاظت از کشور و مردم، ارتقا و بهبود رفاه در آمریکا، نمایش صلح از طریق قدرت و پیشبرد نفوذ آمریکا در دنیاست. بنابراین باید برای فهم رویکرد یک‌جانبه‌گرایی غالب در متن این سند که نقشه راه آمریکاست، سند امنیت ملی دولت ترامپ را بر محور یکی از ۴ مکتب اصلی حاکم بر سیاست‌های ایالاتمتحده آمریکا در برهه‌های مختلف تاریخی تحلیل و طبقه‌بندی و مبانی و مؤلفه‌های این مکاتب را که بر یک‌جانبه‌گرایی یا چندجانبه‌گرایی دلالت می‌کنند، استخراج کرد. از بین ۴ مکتب اصلی، «همیلتونیسم»

با شاخصه تأکید بر ارزش‌های آمریکایی به‌جای منافع آمریکا در خارج از کشور، مکتب «جکسونیسم» با شاخص قرار دادن منافع ملی به‌عنوان سکندار سیاست و روابط خارجی، «ولسونیسم» با تأکید بر حفظ صلح و رد جنگ به‌عنوان راه‌حل مشکلات جهان و مکتب «جفرسونیسم» با تمرکز بیشتر بر سیاست‌های اجتماعی داخلی شناخته می‌شود، بنابراین با توجه به محورهای منتشرشده و در مبنای موارد احصا شده سند امنیت ملی دولت ترامپ، این موارد گویای انطباق خطمشی و رویکرد آن بر مبنای تلفیق مکتب همیلتونیسم با تأکید بر ارزش‌ها و منافع آمریکا در خارج از کشور و درون‌گرایی مبتنی بر ساخت کشور، با مکتب جکسونیسم با شاخصه‌های منافع ملی سکندار سیاست و روابط خارجی، پذیرش مداخله نظامی در دیگر مناطق جهان برای حفظ منافع ملی، گسترش موقعیت جهانی به‌عنوان یک قدرت بزرگ و واکنش به تهدیدات از طرق نظامی در صورت نیاز است که این مؤلفه‌ها در مجموع مبانی یک‌جانبه‌گرایی حاکم بر دولت فعلی آمریکا را تشکیل می‌دهد. در حقیقت تأثیر انگاره‌های مکتب جکسونیسم بر نگرش ترامپ است که موجب شده انزوایی که آمریکا در دوران اوپاما از آن فاصله گرفته بود دوباره به‌سوی آمریکا بشتابد و متحدان دیرین و استراتژیک این کشور نظیر اروپا را نیز برنجاند تا فاصله خود را از آمریکا حفظ کرده و با دیده تردید به اقدامات و مواضع ترامپ نظاره کنند. آنچه به‌وضوح در دکترین ترامپ در دوران معاصر و بر اساس مواضع وی و البته بر اساس سند راهبردی آمریکا قابل‌مشاهده است، دیدگاهی است که بر اساس مکتب واقع‌گرایی به روند تحولات سیاسی و امنیتی در عرصه بین‌الملل می‌نگرد. در دکترین یک‌جانبه‌گرایی ترامپ کشورها در رقابتی همیشگی‌اند و ایالاتمتحده برای حفاظت و دفاع از استقلال خود برابر دوستان دشمنان باید در تمام جبهه‌ها بجنگد. هرچند دولت آمریکا اغلب می‌گوید «آمریکا نخست» به معنای «آمریکا تنها» نیست اما در راهبرد امنیت ملی که از سوی ترامپ ارائه شده، تصریح شده است ایالاتمتحده

چگونه رفتار رادیکال ترامپ بی‌اعتباری ایالات متحده را تشدید می‌کند؟

یک‌جانبه‌گرایی و افول هژمونی آمریکا

- توحیدافضلی

قدرت آمریکا را در اذهان متبادر می‌کند و بی‌اعتمادی را دربراه این کشور فراگیر خواهد کرد. یک‌جانبه‌گرایی آمریکا می‌تواند به‌مرور ارائه کالاهای عمومی در سیستم مستقر را نیز با چالش مواجه کند و در شرایطی که ایالاتمتحده از تأمین امنیت اروپا، ژاپن و سایر متحدان امتناع کند و از نسوی دیگر نقش حفاظتی از رژیم‌های مالی، اقتصادی، زیست‌محیطی و حتی امنیتی خود را نیز کنار بگذارد، آن زمان است که به‌سرعت اعتماد و انتفاع از سیستم حاکم فعلی بر نظام بین‌الملل بتدریج تخریب خواهد شد و قدرت و جایگاه ایالاتمتحده رو به افول و تضعیف خواهد نهاد. اما آنچه تا امروز مشاهده شده است مؤید تلاش برای تعمیق همین یک‌جانبه‌گرایی است که به هیمنه آمریکا آسیب خواهد زد و آنچه با تحلیل سند استراتژی دفاعی آمریکا نیز که دومین سند مهم راهبردی این کشور است استنباط می‌شود، عدم درک شرایط جدید بین‌المللی از سوی واکنشگن است. برای رهبران آمریکایی و بویژه رئیس‌جمهور این کشور افول نظام تک‌قطبی بین‌المللی و شکل‌گیری نظام چندقطبی بسیار ناگوار است و هژمون بین‌المللی دبروز علاقه‌ای به روبه‌رو شدن با بازیگران بین‌المللی هموزن خود ندارد. در عین حال تداوم سیاست‌های یک‌جانبه‌گراییانه این کشور را به سمت همین دست‌اورد و تضعیف ایالاتمتحده هدایت خواهد کرد. در همین رابطه، مواضع ترامپ در رابطه با برجام و توافق هسته‌ای نیز قابل بررسی است.

اگرچه دولت اوپاما نوانست بر مبنای چندجانبه‌گرایی و تعامل با شورای امنیت، اجماعی علیه برنامه هسته‌ای ایران ایجاد و قطعنامه تحریمی علیه کشورمان تصویب کند اما اکنون ترامپ با اقدامات یک‌جانبه‌گرایانه دیگر قادر نیست اجماعی جهانی علیه ایران تشکیل دهد و امروز ایالاتمتحده نمی‌تواند با میل مقامات کاخ سفید قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت را نادیده بگیرد که در این حالت واقفند که خود را در مقابل جامعه جهانی، سازمان ملل و شورای امنیت قرار خواهند داد و این هم لطمه‌ای بزرگ بر قدرت و جایگاه این کشور خواهد بود.

■ **اقدامات یک‌جانبه‌گراییانه ایالات متحده در دوران ترامپ**

اگرچه فشارهای بین‌المللی تاکنون مانع اقدام یک‌جانبه‌ ترامپ دربراه برجام شده اما دولت ترامپ تاکنون اقدامات یک‌جانبه‌ریز را در کارنامه خود به ثبت رسانده است. در حوزه سیاسی، به‌صورت یک‌جانبه تصمیم گرفت ناوگان جنگی خود را به شبه‌جزیره کره هدایت کند، بحران بین دو کره را تشدید کرد، به نقش نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای همپیمان خود نیز توجهی نکرد. با بی‌توجهی به درخواست‌های بین‌المللی پایگاه هوایی سوریه را مورد هدف قرار داد، در همین راستا و اقدامات یک‌جانبه، مادر بمب‌ها را در افغانستان آزمایش کرد، به‌رغم وضعیت وخیم حقوق بشر در عربستان و هشدارهای متعدد در این رابطه در

نخستین سفر بین‌المللی خود به این کشور سفر کرد و همچنین به‌رغم همه اعتراضات از موافقتنامه ترانس پاسیفیک (Trans-Pacific Partnership) خارج شد تا نشان دهد دونالد ترامپ بدون توجه به همه نقدها همچنان سیاست خود را که همان یک‌جانبه‌گرایی است پیش می‌برد. با توجه به نتیجه سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا فاصله قدرت این کشور با سایر قدرت‌ها رو به افول گذاشته است و در پیش گرفتن از سیستم حاکم فعلی بر نظام بین‌الملل بتدریج رضایت و مشروعیت سیستم مستقر به وهبری آمریکا را با چالش مواجه کرده و این امر تا جایی پیش رفته است که همپیمانان آمریکا نیز به این روند معترض شده‌اند. ایجاد اعتماد و همکاری بین‌المللی به‌واسطه ایجاد و تداوم رژیم‌های بین‌المللی مالی، اقتصادی، امنیتی و زیست‌محیطی یکی از مهم‌ترین سئون‌های سیستم مستقر بین‌المللی به رهبری ایالاتمتحده است که مورد انتفاع اغلب قدرت‌ها و حتی همه کشورها قرار گرفته. این در حالی است که دولت فعلی آمریکا به شکل بی‌سابقه‌ای از مسؤلیت خود به‌عنوان حافظ سیستم، امتناع کرده و در حال خروج از این رژیم‌هاست. خروج آمریکا از پیمان تجاری اقیانوس آرام، خروج از سازمان علمی-فرهنگی یونسکو، خروج از توافق بین‌المللی آب و هوایی پاریس، بررسی خروج از برجام، انتقاد شدید از توافق تجارت امریکای شمالی و بررسی خروج احتمالی آن در آینده‌ای نزدیک و حتی انتقاد از پیمان آتلانتیک شمالی اناثا از جمله این سلب مسؤلیت‌های یک‌جانبه‌است که عقب‌نشینی از مسؤلیت‌های بین‌المللی یک هژمون تلقی می‌شود، بنابراین در این شرایط یک تردید جدی نسبت به توانایی مدیریت بحران‌های جهانی توسط آمریکا در بحران‌های جاری همچون یمن، مساله فلسطین، سوریه و مساله خروج از برجام در رهبران دیگر کشورهای همسو با آمریکا ایجاد می‌کند.

■ **نتیجه‌گیری**

با این وصف می‌توان اینگونه استنتاج کرد که تمام عواملی که سبب تحکیم نظام مستقر بین‌المللی به رهبری ایالاتمتحده شده بود اکنون به‌واسطه اقدامات یک‌جانبه ترامپ در حال لرزل است و اگر دولت کنونی با خروج از معاهدات و رژیم‌های بین‌المللی و سر باز زدن از مسؤلیت‌های بین‌المللی دولت آمریکا، به بی‌اعتبار کردن نهادها و سازمان‌های بین‌المللی به نفع ایالاتمتحده ادامه دهد و سیاست‌های خود را بی‌توجه به منافع دیگر متحدان به‌پیش ببرد و صرفاً منافع آمریکا را در نظر بگیرد، ادامه این نظم موجود با چالش اساسی مواجه خواهد شد و آمریکا باید به‌صورت کامل با هژمون آمریکایی وداع کند و منتظر افول روزافزون قدرت این کشور در مقابل متحدان اروپایی و دیگر کنشگران مهم عرصه بین‌الملل باشد.

منبع: تبیین

مجازات مناسب بدون نگاه به جایگاه و مقام فرد، عاملی اثرگذار بر جلوگیری از وقوع فساد است.
۳- ایجاد جریان آزاد اطلاعات: شفاف‌سازی قوانین و آگاهی همه مردم از فرصت‌ها و امکانات، یکی از مهم‌ترین موانع بروز فساد است. آزادی مطبوعات و رسانه‌ها اصلی‌ترین زیرساخت برای جریان آزاد اطلاعات است. مطبوعات که آزاد باشند، می‌توانند فساد را کنترل کنند، زیرا ضمن آگاه‌سازی جامعه، مسؤولان را نیز در رصد خود خواهند داشت.
۴- بهبود وضعیت حقوق و دستمزد کارمندان دولت: فقر و عدم تأمین مالی زندگی افراد یکی از زمینه‌های بروز فساد است، لذا هرآنچه موجب افزایش درآمد ملی سرانه، تقویت رشد و بویژه بهبود دریاقتی کارکنان دولت شود، مانعی برای پیدایش فساد خواهد بود. برخی مطالعات نشان می‌دهد حقوق پایین، مستخدمان دولتی را وادار به تکمیل درآمدشان از طرق نامشروع می‌کند.

■ **سخن پایانی**

در انتها باید به این نکته اشاره کنیم که فساد پدیده شومی است که تقریباً تمام کشورها در سطوح مختلف با آن روبه‌رو هستند. با توجه به آثار زیانبار فساد بر بخش‌های مختلف اقتصادی، لازم است هر کشور برای کاهش سطح این معضل تمهیداتی ببیند.بند پیش. ۱۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی صریحاً به این‌موضوع اشاره دارد: «شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فساداز در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و…»
متأسفانه کنکاش در آمارهای سازمان شفافیت بین‌الملل نشان می‌دهد جایگاه ایران از نظر شاخص فساد نامناسب است. در نتیجه، مسؤولان ۳ و ۴ه و مردم باید در جهت هرچه کمتر شدن این پدیده شوم قدم‌های اساسی بردارند تا حرکت امروز کشور به‌سمت توسعه و پیشرفت با تأخیر کمتری به سرمنزل مقصود برسد.

* کارشناس ارشد اقتصاد
منبع: پایگاه برهان

تاملات

توجه به واقعیات

یا گرفتار در تبلیغات؟

- علی قربانی

فارغ از بررسی درستی یا نادرستی به آتش کشیدن پرچم آمریکا، اخیراً سخنی از برخی طیف‌های سیاسی مملکت مطرح شده که با فرض مخالفت دوسوم مردم آمریکا با خروج این کشور از برجام، حرکت اخیر نمایندگان مجلس را زیر سؤال برده و به‌نوعی بر این بحث دامن می‌زند که گویا اساساً رفتارهای ما در آینده چه‌بسا گره‌گشای روابط ما با آمریکا شود و رهبر امپریالیسم جهانی به‌واسطه فشار ملتش وادار به بازگشت از سیاست خویش شود! بررسی این گزاره که بر اساس یک نظرسنجی در جامعه آمریکا مطرح‌شده، چندین سؤال را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند؛ اولاً ملاک ما در رابطه با آمریکا باید نظرسنجی‌ها باشد یا رفتار و سیاست‌های عملی و نظری هیات حاکمه آمریکا که در طول تاریخ معاصرمان در حق ملت‌مان پیاده کرده‌اند؟ ثانیاً این نظرسنجی‌ها معمولاً از سوی طیف‌های سیاسی خاص جوامع برای نیل به هدف موردنظر طراحی می‌شوند و دخیل شدن نظرات آن طیف در میزان آرای نظرسنجی بی‌تأثیر نبوده است، لذا چندان نمی‌شود به صحت چنین نظرسنجی‌هایی اعتماد کرد، کما اینکه در انتخابات سابق ایران نیز نمونه این نظرسنجی را شاهد بودیم؛ چنانکه در انتخابات سال ۹۲ هیچ‌کدام از نظرسنجی‌ها پیروزی حسن روحانی در انتخابات را پیش‌بینی نکرد بود؛ چه داخلی و چه خارجی و همگان به خاطر این مساله در بهت فرورفتند. در انتخابات ۱۶ ۲۰ آمریکا نیز باز این موضوع برای نامزد جمهوری‌خواهان تکرار شد و ترامپ در میان بهت رسانه‌های خبری و پایگاه‌های نظرسنجی برنده انتخابات شُده از همه این‌ موارد که بگذریم، آنچه ذهن را بیش‌ازحد به خود مشغول می‌کند، ناخوابایی این ادعا با ادعای آزادی بیان در جامعه آمریکاست! در جامعه‌ای که به قول غرغریان فضای سیاسی‌اش باز است و مردم می‌توانند هرگونه مخالفتی را از خود نشان دهند، فرضاً دوسوم مردم [آمریکا] با خروج این کشور از برجام مخالف بودند، سؤال اینجاست تسر کو، کجاست این مخالفت؟ چرا حتی یک تجمع جدی مقابل این حرکت در آمریکا شکل نگرفت؟ چرا این دوسومی که می‌گویند تأثیر خود را نگذاشتند؟ و اساساً هیچ سیاستمداری نمی‌آید خود را روبه‌روی تصمیم اکثریت جامعه خویش قهر داد و حتی اگر چنین هم باشد و نیمی از جامعه سیاسی آمریکا با این تصمیم مخالف باشند، باید بازتاب‌های مخالفت‌شان تأثیر خود را در تصمیم دولت آمریکا نشان می‌داد، س‌وای اینکه در این آمار دوسوم نیز شک و شبهه وجود دارد! شواهد موجود همه حاکی از این است که جامعه آمریکا اکنون اگر از ترامپ راضی نباشند، چندان مخالف او نیز نیست، چرا که نوع تفکر حاکم بر این جامعه بیش از همه چیز از عنصر اقتصاد تأثیر می‌گیرد و با نگاهی به کارنامه ترامپ متوجه می‌شویم او به وعده‌های خویش تقریباً عمل کرده و از رونق بازار آمریکا بگیر تا افزایش رشد اقتصادی آمریکا تا کاهش نرخ بیکاری؛ همه و همه را وی در عرض یک سال از حضورش در اتاق بیضی شکل کاخ سفید به سرمنزل مقصود رسانده! احتمال قریب‌به‌یقین این فقط دموکرات‌ها هستند که قصد دارند جوسازی کرده و باز هم با بازارگرمی و سنناریوهای تبلیغاتی، بزرگان و تصمیم‌سازان نظام ما را دچار اشتباه محاسباتی کنند؛ به نظر می‌رسد این حرف‌ها که دوسوم مردم آمریکا با خروج ترامپ از برجام مخالف هستند، با در نظر گرفتن شواهد صحنه بیشتر از آنکه برخاسته از واقعیت باشند حاصل تبلیغات است! و بدا به حال ملتی که اسیر چنین تبلیغاتی شود! و خواهد در مسیر این تبلیغات حرکت کند! واقعیت صحنه را باید دید! ۵ سال اسیر تبلیغات شدید و غافل از بررسی این شدید که ممکن است آمریکا عهدشکنی کند، آیا زمان آن نیست که مسؤولان سیاست خارجه و حامیان برجام در نوع نگاه خویش به غرب تجدیدنظر کرده و کمتر اسیر تبلیغات شوند! تا کی باید مملکت تاوان تبلیغات سنگین اصلاح‌طلبان و ایجاد نوعی فضای توهم‌گونه از فضای بین‌الملل را بدهد؟!

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲

منبع: گزارش‌های سازمان بین‌المللی شفافیت در ۱۱ سال گذشته

سال	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵
رتبه‌بیارن	۹۳	۱۰۵	۱۳۱	۱۴۱	۱۶۸	۱۶۸	۱۲۰	۱۳۳	۱۴۴	۱۳۶	۱۳۱